

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واجب بودن بلند کردن ریش و حرام بودن تراشیدن آن

مؤلف: ابو ابراهیم محمد الوصایی

مترجم و اختصار کننده: پدram اندایش

نام کتاب: واجب بودن بلند کردن ریش و حرام بودن تراشیدن آن

مؤلف: ابو ابراهیم محمد الوصابی

مترجم: پدram اندایش

ناشر: بوکان – انتشارات

نوبت چاپ: اول – پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان – رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

مقدمه مؤلف:

ستایش و سپاس از پروردگار جهانیان و درود و سلام بر اشرف انبیاء و رسولان، پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و صحبه اجمعین.

اما بعد: این مبحثی است متواضعانه که احادیثی که درباره‌ی بلند کردن ریش و حرام بودن تراشیدن آن را بیان داشته است را جمع آوری کرده است؛ به خاطر اینکه تشابه مسلمانان به دشمنانشان بلائی است که عمومیت یافته است «... خذو القذة بالقذة...» و از امر پیامبرشان محمد صلی الله علیه و آله و سلم نافرمانی می‌کنند و این در حالی است که پروردگار ما سبحانه و تعالی درباره‌ی نافرمانی از رسول ﷺ فرموده است: «وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا»^۱ (ترجمه: و اگر از وی اطاعت کنید

^۱ - سوره النور آیه ۵۴.

هدایت یافته‌اید) و می‌فرماید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ترجمه: پس کسانی که از امر او نافرمانی می‌کنند بدانند که گرفتار فتنه‌ای خواهند شد و یا به عذاب دردناکی مبتلا خواهند شد).

و از خداوند کریم با توسل به اسماء و صفات کریمش می‌خواهم تا عمل نوشتن این کتاب را برای کسب رضایتش خالص گرداند و به من و برادران مؤمنم علم با منفعت و عمل صالح و رستگاری در بهشت و نجات از جهنم را عطا فرماید، همانا پروردگارم شنوای دعاها می‌باشد.

و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه و سلم
تسلیمات کثیرا.

(یمن - الحدیة) - مسجد السنة - ۹ صفر ۱۴۲۸ هـ - ابو

ابراهیم محمد الوصابی

فوائد: در مورد بلند بودن ریش چند مطلب وجود دارد:

۱. به گذاشتن ریش امر شده است.
۲. آن را صلی الله علیه و سلم عملاً انجام داده است.
۳. بر گذاشتن ریش صحابه تقرار صورت گرفته است.
۴. بر کسی که ریشش را بتراشد نهی آمده است.



فصل اول: واجب بودن بلند کردن ریش و کوتاه کردن ۱ سیل

۱- از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما آمده است:

پیامبر ﷺ فرموده است: «... سیل ها را کوتاه کنید و

۱ - در بین علمای امت در برداشت از این حدیث اختلاف وجود دارد و امام احمد بن حنبل کوتاه کردن و یا مبالغه گرفتن سیل معنی کرده و گفته است که زیاد کوتاه کردن اولی تر است و امام مالک گفته است منظور گرفتن زواید سیل که از لب پائین می آید می باشد و امام ابوحنیفه و امام شافعی آن را زیاد کوتاه کردن سیل دانسته اند. (مترجم)

ریشها را رها نمائید...». طبرانی در «الأوسط» (۱۰/۱۹۴) (۹۴۲۲)؛ ابو ابراهیم: (حسن لغیره)، همانطور که در «إشراقة أولى النهى فى حكم الأخذ من اللحية» صفحه ۳۱-۳۳ آمده است.

۲- از مردی از انصار رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «ریشهایتان را رها کنید و به یهودیان تشابه پیدا نکنید». بخاری در «التاریخ الکبیر» (۴/۱۴۵-۱۴۶) (۲۲۷۰)؛ ابو ابراهیم: (حسن لغیره)، نگاه شود به «الإشراقة» از عبدالسلام الریعی، صفحه ۳۵-۳۶.

۳- از عبدالله ابن عمرو بن عاص رضی الله عنهما که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «... سبیلها را زیاد کوتاه کنید و ریشهایتان را رها کنید...». طبرانی در «الأوسط» (۸/۱۸۴-۱۸۵) (۷۳۷۶)؛ شیخ آلبنی رحمه الله در «صحيح الترغيب و الترهيب» شماره (۲۷۲۳): (حسن لغیره)

۴- از انس بن مالک رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سبیل‌ها را زیاد کوتاه کنید و ریش‌ها را رها کنید و به یهودیان تشابه پیدا نکنید». الطحاوی در «شرح معانی الآثار». ابو ابراهیم: (حسن لغیره) در سند آن أبو جعفر عبدالله بن جعفر بن نجیح پدر علی المدینی وجود دارد که ضعیف محسوب می‌شود، نگاه شود به «الضعیفه» از آلبانی شماره: ۲۱۰۷.

۵- از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما: نزد رسول الله صلی الله علیه و آله از آتش‌پرستان یاد شد و او فرمود: «آنها سبیل‌هایشان را انبوه می‌کنند و ریش‌هایشان را می‌تراشند، پس با آنها مخالفت کنید». ابن حبان (۵۴۵۲)؛ بیهقی (۱۵۱/۱) و در «شعب الإیمان» (۲۲۲/۵)؛ ابو حامد الخضر می در «حدیثه»؛ ابو عروبة الحرانی در «حدیث الجزرین». شیخ آلبانی رحمه الله در «السلسلة الصحيحة» شماره (۲۸۳۴): (اسناد آن جید است و رجال آن ثقات است).

۶- از ابوهریره رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «ریش‌ها را رها کنید و سبیل‌هایتان را قطع کنید، و رنگ سفید موهایتان را تغییر دهید و به یهودیان و مسیحیان تشابه پیدا نکنید!». امام أحمد: (۳۰۵/۱۴) (۸۶۷۲) و با لفظی دیگر (۷۱۳۲)؛ شیخ آل‌بانی رحمه الله در «صحیح الجامع» شماره ۱۰۶۷ آن را صحیح دانسته است. شیخ شعب الأرنؤوط در تعلیقات وی در «المسند» آن را صحیح دانسته است.

۷- از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما: از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «با مشرکین مخالفت کنید، ریش‌هایتان را رها کنید و سبیل‌هایتان را زیاد کوتاه کنید». بخاری ۵۵۵۳ و ۵۵۵۴ و مسلم ۲۵۹. و لفظ بخاری و مسلم با هم فرق می‌کنند.

۸- از ابوهریره رضی الله عنه: از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «سبیلها را قطع کنید و ریشها را بلند کنید و با آتش پرستان مخالفت ورزید». مسلم: ۲۶۰.

۹- ابی أمّامة الباهلی رضی الله عنه گفت: به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتیم: ای رسول الله! اهل کتاب ریشهایشان را کوتاه می‌کنند و سبیلهایشان را انبوه می‌کنند؟ او صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: «سبیلهایتان را کوتاه کنید و ریشهایتان را زیاد کنید و با اهل کتاب مخالفت ورزید». أحمد (۶۱۳/۳۶) (۲۲۲۸۳)؛ طبرانی در «الکبیر» شماره: ۷۹۲۴؛ بیهقی در «شعب الإیمان». شیخ شعیب الأرناؤوط نیز آن را صحیح دانسته است. نگاه شود به «السلسلة الصحيحة» از آلبانی شماره: ۱۲۴۵ و «صحیح الجامع» شماره: ۷۱۱۴.

۱۰- رسول الله صلی الله علیه و آله برای پادشاه فارس نامه‌ای نوشت و او را به اسلام دعوت نمود؛ وقتی پادشاه ایران نوشته‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله را خواند آن را پاره کرد؛ وقتی خبر آن را

به رسول الله ﷺ رساندند علیه آنها دعا کرد تا آنها را را پاره پاره شوند^۱، سپس پادشاه فارس برای کارگزارش پادشاه یمن «بازان» نامه‌ای نوشت با این مضمون که دو نفر از مردان نیرومندت را بسوی این مردی (رسول الله ﷺ) که در حجاز است بفرست تا او را برای من بیاورند؛ بازان قهرمان خود بابویه - که نویسنده‌ای دانا به نوشته‌های فارسی بود - و مردی از فارس که به او خُرْحُسرَة گفته می‌شد را فرستاد و نامه‌ای توسط آنها به پیامبر ﷺ نوشت تا همراه آن دو به کسری (محل حکومت پادشاه فارس) برود و به بابویه گفت: به سرزمین این مرد (رسول الله ﷺ) برو و با او سخن بگو و خبر آن را برای من بیاور! آن دو حرکت کردند و به مردانی از سرزمین نخب که جزو طائف است، رسیدند و درباره‌ی پیامبر ﷺ از آنها سوال کردند؛ آنها در جواب گفتند: او

^۱ - بخاری ۶۴ و ۲۷۸۱ و ۴۱۶۲ و ۶۸۳۶ از ابن عباس رضی الله عنهما.

در مدینه است، مردان طائفی از دیدن آن دو خوشحال شده و بهم دیگر گفتند: بشارت دهید که کسری پادشاه پادشاهان در مقابل او ایستاده است و آن مرد(پادشاه کسری) برای شما کافی خواهد بود!

آن دو از طائف خارج شدند تا اینکه به رسول الله ﷺ رسیدند و بابویه با وی گفتگو کرد و گفت: همانا شاهنشاه، پادشاه پادشاهان کسری برای پادشاه باذان نامه‌ای نوشته است و به او امر کرده است تا يك نفر را بسوی تو بفرستد و تو را پیش او ببرد؛ و او مرا انتخاب کرد تا همراه من بیایی؛ اگر بیایی پادشاه پادشاهان به تو سود رسانده و از تو دست بر می‌دارد؛ و اگر بمانی [و همراه ما نیایی] تا آنجا که می‌دانم او تو و قومت را هلاک خواهد کرد و سرزمینت را ویران خواهد ساخت؛ آنها در حالی به نزد رسول الله ﷺ آمدند که ریشهای خود را تراشیده بودند و سبیلهایشان را بلند نموده بودند؛

پیامبر ﷺ نیز از نگاه کردن به آنها کراهت نمود سپس رو به آنها نمود و فرمود: «وای بر شما! چه کسی به این کار شما را امر نموده است؟» آن دو گفتند: خدای ما - پادشاه کسری - به ما امر نموده است؛ رسول الله ﷺ فرمود: «ولی خدای من به من امر نموده است تا ریش خود را بلند کنم و سیل خود را کوتاه کنم»، سپس به آن دو فرمود: «برگردید و فردا بسوی من بیائید»؛ برای پیامبر ﷺ از آسمان خبر آمد که خداوند پسر کسری شیرویه را بر وی مسلط می‌گرداند و او را در فلان ماه و فلان شب می‌کشد؛ و وقتی آن شب فرا رسید پسر کسری (شیرویه) بر وی مسلط شد و او را کشت.

واقعی گفته است: شیرویه شب سه‌شنبه پدرش را به قتل رساند، وقتی که ده شب از جمادی الأولى سال هفتم گذشته بود و لحظه‌ای از ساعت وعده داده شده اضافه‌تر نگذشت. طبری در «تاریخ الرسل و الملوك» (۲/۶۵۵ -

۶۵۶) و ابن سعد در «الطبقات» (۲۵۸/۱ و ۴۴۹) و ابن أبی شیبة (۲۲۶/۵) (۲۵۵۰۲). شیخ آلبنی رحمه الله در تعلیقش بر «فقه السيرة» از غزالی صفحه ۳۸۹) گفته است: (ابن جریر از یزید بن ابی حبيب آنرا به شکل مرسل و ابن سعد در «الطبقات» از عبیدالله بن بدالله به شکل مرسل روایت کرده اند و سند آن صحیح می باشد و ابن بشران در «الأمالی» از ابوهریره با سند سست آن را روایت کرده است). نگاه شود به «الدفاع عن الحديث النبوی» از آلبنی رحمه الله صفحه ۵۰.



فصل دوم: واجب بودن کوتاه کردن سیل

۱۱- از ابی عبدالله علیه السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سبیل را کوتاه کن...». امام احمد (۱۳۴/۲۹) و (۱۳۵) (۱۷۵۹۳) و (۱۷۵۹۴)؛ شیخ آلبنی رحمه الله آن را در «السلسلة الصحيحة» حدیث شماره ۵۰ صحیح

دانسته است؛ شیخ مقبل الوادعی رحمه الله در «الجامع الصحيح مما ليس في الصحيحين» (۳۰۱/۴-۳۰۲) آن را صحيح دانسته است.

۱۲- از انس بن مالک رضی الله عنه آمده است که گفت: برای ما در ترک: گرفتن سیل، کوتاه کردن ناخن، از بین بردن موهای زیر بغل و تراشیدن موهای زیر ناف، حداکثر چهل شب مهلت داده شده بود. مسلم: ۲۵۸.

۱۳- از مغیره بن شعبه رضی الله عنه آمده است که گفت: شبی مهمان پیامبر صلی الله علیه و آله شدم و امر کرد که پهلوی حیوان کباب شود و کاردی گرفت و شروع به تکه تکه کردن گوشت کرد. گفت: در آن هنگام بلال آمد و اذان سر داد. [رسول الله صلی الله علیه و آله] کارد را بر کناری گذاشت و فرمود: «او را چه شده است؟ خداوند خیرش دهد» و بلند شد و نماز خواند.

انباری به آن افزوده است: و سبیل من بلند بود و آن را بر مسواک گذاشت و کوتاهش نمود یا فرمود: «آن را بر روی مسواک می‌گذارم و کوتاه می‌کنم». ابوداود: ۱۹۰ و الترمذی در «الشمال» شماره: ۱۶۸. شیخ آلبنی رحمه الله در «صحيح سنن ابی داود» شماره ۱۸۸ آن را صحيح دانسته است.

۱۴- از زید بن أرقم رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «کسی که سبیل خود را نگیرد از ما نیست». احمد (۷/۳۲) (۱۹۲۶۳) و ترمذی شماره ۲۷۶۱ و نسائی در «الکبری» شماره ۱۴ و در «الصغری» (۱۵/۱) و (۱۲۹/۸-۱۳۰) و عبد ابن حمید شماره ۲۶۴ و بیهقی در «الآداب» شماره ۶۹۲ و طبرانی در «الصغیر» و الضیاء؛ شیخ آلبنی رحمه الله در «صحيح الجامع» شماره ۶۵۳۳ آن را صحيح دانسته است؛ همچنین شیخ مقبل رحمه الله در «الجامع الصحيح» (۳۰۱/۴).

فصل سوم: بلند کردن ریش و گرفتن سیبل از فطرت است

۱۵- از ابوهریره رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «این موارد از فطرت اسلام است: غسل روز جمعه و مسواک زدن و گرفتن سیبل و رها کردن ریش. پس همانا آتش پرستان سیبلها را بلند کرده و ریشهایشان را می گیرند، پس با آنها مخالفت ورزید: سیبلیتانی را بگیرد و ریشهایتانی را بلند کنید». ابن حبان (۲۳/۴) (۱۲۲۱) و بخاری در «التاریخ الکبیر» (۱۳۹/۱-۱۴۰)، رقم الترجمة: ۴۱۹. شیخ آلبنی رحمه الله گفته است اسناد آن جید (بسیار قوی) می باشد: «السلسلة الصحيحة» شماره: ۳۱۲۳، (۳۳۱/۷-۳۳۲) قسمت اول.

۱۶- از عمار بن یاسر رضی الله عنهما: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از فطرت: مضمضه [کردن آب در دهان] و استنشاق [آب در بینی] و مسواک زدن و کوتاه کردن سیبل و

گرفتن ناخن‌ها و تراشیدن موهای زیر بغل و تراشیدن موهای زیر ناف و شستن فاصله‌ی بین انگشتان و شستن بدن هنگام دفع حاجت و ختنه کردن می‌باشند. احمد (۲۶۸/۳۰) (۱۸۳۲۷) و ابوداود شماره: ۵۵ و ابن ماجه شماره: ۲۹۶ و طیالسی شماره: ۶۴۱ و ابویعلی شماره: ۱۶۲۷ و بیهقی (۵۳/۱) و طحاوی در «شرح معانی الآثار» (۲۹۹/۴) و در «مشکل الآثار» شماره: ۶۸۴. شیخ آل‌بانی در «صحیح الجامع» شماره: ۲۲۲۲ و در «صحیح سنن ابی داود» شماره ۵۴ و در «صحیح سنن ابن ماجه» شماره: ۲۹۶ آن را حسن دانسته است. شیخ شعیب الأرناؤوط گفته است: (صحیح لغیره).

۱۷- از عائشه رضی الله عنها: رسول الله ﷺ فرمود: «ده چیز از فطرت است: کوتاه کردن سیل و بلند کردن ریش و مسواک زدن و استنشاق آب و گرفتن ناخن‌ها و شستن لای انگشتها و تراشیدن موهای زیر بغل و

تراشیدن موهای زیر ناف و استنجا؛ زکریا گفته است: مصعب گفت: دهم آن را فراموش کرده‌ام و ممکن است مضمضمه باشد. مسلم شماره: ۲۶۱ و احمد (۱۳۷/۶) و ابوداود شماره: ۵۳ و ترمذی شماره: ۲۷۵۷ و نسائی (۱۲۶/۸) و ابن ماجه شماره: ۲۹۳ و ابن خزيمة شماره: ۸۸.

۱۸- از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «فطرت پنج چیز است (یا پنج چیز از فطرت است): ختنه کردن و تراشیدن موهای زیر ناف و تراشیدن موهای زیر بغل و کوتاه کردن ناخنها و کوتاه کردن سبیل. بخاری شماره: ۵۵۵۰ و مسلم شماره: ۲۵۷. نسائی در «الکبری» (۹/۶۵) با لفظ «... تراشیدن سبیل...» که این لفظ شاذ می‌باشد.

۱۹- از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما: از پیامبر ﷺ که فرمود: «کوتاه کردن سبیل از فطرت می باشد». بخاری شماره: ۵۵۴۹ و ۵۵۵۱.



فصل چهارم: ریش رسول الله ﷺ

۲۰- از انس بن مالک رضی الله عنه آمده است: در زمان پیامبر ﷺ مردم دچار قحطی و خشکسالی شدند. [و در همان هنگام] پیامبر ﷺ در روز جمعه خطبه می گفت، شخصی اعرابی^۱ بلند شد و گفت: ای رسول الله! اموال از بین رفت و خانواده هایمان گرسنه شدند؛ برای ما نزد خداوند دعا کن. درست پس از آن [پیامبر ﷺ] دو دست خود را بلند کرد در حالی که ما یک پاره ابر هم در آسمان نمی دیدیم، قسم به کسی که جان من در دست اوست هنوز

۱ - اعرابی در فرهنگ قرآن و سنت، به معنی بادیه نشینان حول مدینه می باشد و جمع آن اعراب است. (مترجم)

دستهای خود را پائین نیاورده بود که ابرهائی به مانند کوهها آسمان را در بر گرفتند و از منبر خود [پیامبر ﷺ] پائین نیامده بود که دیدم آب باران از ریش وی ریزان شده است و در آن روز باران بر ما بارید و [همچنین] فردا و پس فردای آن روز و قسم به کسی که آن را می‌فرستد تا جمعه‌ی بعدی. و آن اعرابی یا کس دیگری گفت: ای رسول الله! ساختمانها ویران شدند و ماهایمان را آب برد؛ پس برای نزد خداوند دعا کن. [پیامبر ﷺ] نیز [دو دست خود را بالا برد و فرمود: «خداوندا آن را در اطراف [شهر] ما قرار بده نه بر [شهر] ما» و به قسمتی از ابر اشاره نکرد بجز اینکه شکافت و مدینه مانند منطقه‌ای شد که در اطراف آن ابر بود و ابری بر روی آن قرار نداشت و رودباری در قنات (منطقه‌ای اطراف مدینه) به مدت یک ماه جاری شد و کسی از آن

جهت نیامد بجز اینکه از باران زیاد سخن گفت. بخاری
شماره: ۸۹۱ و مسلم شماره: ۸۹۷

۲۱- عُبَید بن عُمَیر گفت: به ام المؤمنین عائشه
رضی الله عنها گفتم: از عجیب ترین چیزی که از پیامبر ﷺ
دیده‌ای ما را باخبر گردان. گفت: او ساکت ماند سپس
فرمود: در شی از شبها بود که فرمود: «ای عائشه! مرا
به حال خود بگذار تا پروردگارم را در شب عبادت
کنم»، گفتم: به الله قسم من نزدیک بودن به تو را دوست
دارم و آنچا را که تو را مسرور می گرداند دوست دارم؛
عائشه رضی الله عنها می گوید: او برخواست و وضو
گرفت و بعد از آن برخواست و نماز خواند و گریه‌ی وی
قطع نشد تا اینکه خیس شد و به همین ترتیب گریه‌ی او
قطع نشد تا اینکه ریشش [نیز] خیس شد و گریه‌ی وی
ادامه یافت تا اینکه زمین نیز خیس شد؛ بعد از آن بلال
آمد و برای نماز اذان گفت، وقتی [بلال] وی (پیامبر ﷺ) را

دید هنوز گریه می‌کرد، گفت: ای رسول الله! برای چه گریه می‌کنی در حالی که خداوند گناهانی را که قبلاً انجام داده‌ای و بعد نیز انجام می‌دهی بخشیده است؟! فرمود: آیا بنده‌ی شاکری نباشم، امشب بر من آیه‌ای نازل شده است و وای بر کسی که آن را بخواند و در آن تفکر نکند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»^۱ تا آخر آیه». ابن حبان (۳۸۶/۲-۳۸۷) (۶۲۰). شیخ مقبل رحمه الله آن را نیکو دانسته است، «الصحيح المسند مما ليس في صحيح» (۵۱۳/۲). نگاه شود به «السلسلة الصحيحة» از شیخ آل‌بانی رحمه الله شماره: ۶۸، و اسناد آن را جید دانسته است.

۲۲- از انس بن مالک رضی الله عنه آمده است که گفت: ... رسول الله صلی الله علیه و آله قبض روح شد در حالی که نه در سرش و نه در

^۱ - آل عمران آیه ۱۹۰.

ریشش بیست موی سفید وجود نداشت. بخاری شماره:

۳۳۵۴ و مسلم شماره: ۲۳۴۷.

۲۳- از عائشه رضی الله عنها آمده است که گفت: با

بهترین عطرهایی که پیامبر ﷺ می یافت بر [وی ﷺ] عطر

می مالیدم تا اینکه بعد از آن آثار روغن عطر در سر و

ریشش یافت می شد. بخاری شماره: ۵۵۷۹ و مسلم

شماره: ۱۱۹۰ (۴۴).

۲۴- از سهل بن سعد ساعدی ﷺ آمده است: رسول

الله ﷺ به سرش روغن زیاد می مالید و با آب ریشهایش

را زینت می داد. ابن الأعرابی در «المعجم» و بیهقی در

«شعب الإیمان» (۲۲۶/۵)؛ شیخ آلبنی رحمه الله در

«السلسلة الصحيحة» شماره: ۷۲۰ آن را حسن دانسته

است.

۲۵- از أمّ مَعْبَد رضی الله عنها: رسول الله ﷺ ... ریشش

پُرپُشت بود... بغوی در «شرح السنة» (۲۶۱/۱۳)-

۲۶۴ (۳۷۰۴) و حاکم (۱۲۰۳/۱۲-۴۳۳۳)، چاپ شیخ مقبل و بیهقی در «دلائل النبوة» (۲۷۶/۱). شیخ آلبنی رحمه الله در تعلیقی که بر «فقه السيرة» غزالی صفحه: ۱۷۹ آورده است، آن را حسن دانسته است. شیخ شعيب الأرناؤوط در تعلیقش بر «زاد المعاد» (۵۷/۳) و در تحقیقش بر «شرح السنة» بغوی نیز آن را حسن دانسته است.

۲۶- از براء بن عازب رضی الله عنهما: رسول الله ﷺ... دارای ریش انبوهی بود... نسائی در «السنن الکبری» (۴۱۲/۵) (۹۳۲۸). ابو ابراهیم گفته است: این حدیث صحیح می باشد.

۲۷- از ابی معمر: به خَبَّاب بن الْأَرْتِّیِّ گفتیم: آیا رسول الله ﷺ در نماز ظهر و عصر [سوره ای بعد از حمد] قرائت می کرد؟ گفت: بله، گفتیم: به چه صورت متوجه

شدید که وی علیه السلام قرائت می‌کرد؟ گفت: با تکان خوردن ریشش. امام بخاری شماره: ۷۱۳ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۴۴.

۲۸- از مِسُورَ بن مَخْرَمَةَ رضی الله عنه - در داستان صلح حدیبیه - آمده است که گفت: عروۀ بن مسعود با پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گفت، و در هنگام صحبت کردن پیامبر صلی الله علیه و آله ریش ایشان را می‌گرفت، و مغیره بن شعبه بالای سر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده بود در حالی که در دستش شمشیری بود و کلاه خودی پوشیده بود؛ و هرگاه عروۀ قسط می‌کرد به ریش پیامبر صلی الله علیه و آله دست بزند [مغیره رضی الله عنه] با دسته شمشیر بر دست او ضربه وارد می‌کرد و به او می‌گفت: دستت را به ریش رسول الله صلی الله علیه و آله نزن، عروۀ نیز سر خود را بلند کرد و گفت: این کیست؟ گفتند: مُغِيرَةُ بن شُعْبَةَ... بخاری شماره: ۲۵۸۱.

۲۹- از جابر بن سَمْرَةَ رضی الله عنه آمده است: رسول الله صلی الله علیه و آله... ریش پریشتی داشت... امام مسلم شماره: ۲۳۴۴

۳۰- از علی بن ابیطالب علیه السلام: رسول الله صلی الله علیه و آله ... ریش
انبوهی داشت... احمد (۱۰۱/۲) (۶۸۴) و
(۱۷۹/۲) (۷۹۶)؛ شیخ آلبنی رحمه الله در «صحیح
الجامع» شماره: ۴۸۲۰. شیخ شعیب الأرناؤوط در تحقیق
«للمسند» آن را حسن دانسته است. عبدالله بن أحمد در
«زوائد المسند» (۲/۲۵۶-۲۵۷) (۹۴۴) و ابن حبان
(۲۱۷/۱۴) (۶۳۱۱) با لفظ: رسول الله صلی الله علیه و آله ... دارای ریش
بزرگی بود... و شیخ شعیب الأرناؤوط آن را صحیح
دانسته است. بغوی در «شرح السنة» (۱۳/۲۲۱) (۳۶۴۱)
با لفظ: رسول الله صلی الله علیه و آله ... دارای ریش پهنی بود...



فصل پنجم: ریش صحابه رضی الله عنهم

۳۱- از عائشه رضی الله عنها که گفت: سَهْلَةُ بِنْتُ سُهَيْل
نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول الله! همانا من از
صورت ابی حُذَیْفَةَ متوجه می شوم که از داخل شدن سالم

به خانه [کراهِت دارد]؛ پیامبر ﷺ فرمود: «به او شیر بده». گفت: چگونه به وی شیر بدهم در حالی که او مرد بزرگسالی است؟ رسول الله ﷺ تبسم نموده و فرمود: «همانا من می دانستم که او مرد بزرگسالی است». گفت: او دارای ریش است. پیامبر ﷺ نیز فرمود: «او را شیر بده تا آنچه در صورت اِبی خذیفه وجود دارد، از بین برود». امام مسلم شماره: ۱۴۵۳.

۳۲- از عثمان بن عفان رضی الله عنه آمده است که هرگاه کنار قبری می ایستاد، گریه می کرد تا جائی که ریشش خیس شد، گفته شد: بهشت و جهنم را یاد می کنی و گریه نمی کنی، آیا از این گریه می کنی؟! رسول الله ﷺ نیز فرمود: «همانا قبر از اولین منزلگاه های آخرت می باشد، اگر از آن نجات یافته شود، آنچه که بعد از آن است از آن آسانتر است و اگر از آن نجات حاصل نشود، آنچه که بعد از آن است از آن شدیدتر است». ترمذی و ابن

ماجه. شیخ مقبل رحمه الله در «الصحيح المسند» (۷۱/۲) و «الجامع الصحيح» (۲۷۵/۲) آن را صحيح دانسته است.

۳۳- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما که گفت: شوهر بریره برده ای بود که به او گفته می شد مُغِیْث، در کوچه های مدینه تعقیبش می کردم در حالی که گریه می نمود و اشکهای وی بر ریشش جاری شده بود، رسول الله ﷺ به عباس فرمود: «ای عباس! آیا از دوست داشتن بریره توسط مغیث و نفرت بریره از مغیث تعجب نمی کنی؟»؛ رسول الله ﷺ [به بریره] فرمود: «او را بسوی خود باز بگردان»؛ گفت: ای رسول الله! آیا به من امر می نمایی؟ فرمود: «[نه] فقط میانجیگری می کنم». گفت: من به او نیازی ندارم. بخاری شماره: ۴۹۷۹.

۳۴- از ابی سعید خدری رضی الله عنه آمده است که گفت: وقتی رسول الله ﷺ [غنایم] را تقسیم می نمود تمام هدیه ها را به قریش و قبائل دیگر عرب عطا فرمود و ذره ای از آن را

به انصار نداد و به همین خاطر گروهی از انصار در درونشان ناراحتی احساس کردند تا اینکه سخن گفتن در این مورد بین آنها بالا گرفت تا آنجا که یکی از آنها گفت: رسول الله ﷺ به قوم خودش می‌رسد؛ پس از آن سعد بن عبّاد به نزد پیامبر ﷺ رفت و گفت: ای رسول الله! این گروه از انصار در درونشان از تو حرجی احساس می‌کنند، این غنیمتهایی را که به دست آوردی بین قوم خودت و قبائل دیگر عرب پخش نمودی و به این گروه از انصار چیزی عطا ننمودی؛ فرمود: «ای سعد تو از کجا هستی؟» گفت: یا رسول الله! من شخصی از قومم هستم و منظورم خودم نیست! فرمود: «قومت را در این محلی که خرما خشک می‌کنند جمع کن». سعد رفت و مردم در جای خشک کردن خرما جمع شدند؛ عده‌ای از رجال مهاجرین آمدند و اجازه فرمود تا داخل شوند و گروه‌های دیگری آمدند ولی آنها را برگرداند؛

وقتی جمع شدند سعد نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: این گروه از انصار به خاطر شما جمع شده‌اند؛ پیامبر ﷺ نزد آنها آمد و خداوند را ستایش و سپاس فرمود و با الفاظی که شایسته الله تعالی بود او را ثنا نمود، سپس فرمود: «ای جماعت انصار! سخنهاى شما که در مورد چیزی است که در درون خود یافته‌اید به من رسید، آیا نزد شما نیامدم در حالی که گمراه بودید و خداوند شما را هدایت نمود؟ و فقیر بودید و خداوند شما را بی‌نیاز نمود؟ و با یکدیگر دشمن بودید و خداون بین قلبهای شما الفت و مهربانی برقرار کرد؟» گفتند: بله، الله و رسولش دارای منت و فضیلت بیشتری می‌باشند. فرمود: «ای معشر انصار آیا جواب مرا نمی‌دهید» آنها گفتند: با چه چیزی جواب تو را بدهیم در حالی که منت و فضل برای خدا و رسول می‌باشد؛ پیامبر فرمود: «اما قسم به الله آنچه را که خواستید گفتید، پس همانا راست گفتید و این سخن شما

درست است که: نزد ما در حالی آمدی که تکذیب شده بودی و ما تو را تصدیق کردیم، و شکست خورده آمدی و ما تو را یاری نمودیم، طرد شده بودی و تو را پناه دادیم، و فقیر بودی و به تو کمک کردیم، در درونتان ناراحتی ای می‌یابید ای جماعت انصار! بخاطر بهای ناچیزی از دنیا که توسط آن در درون قومی محبت ایجاد کردم تا اسلام بیاورند و شما را بر اسلام خودتان وکیل نمودم؟ ای جماعت انصار آیا راضی نمی‌شوید که مردم با گوسفند و شتر برگردند و شما با فرستاده‌ی خداوند به خانه‌هایتان برگردید؟ و قسم به کسی که جان محمد در دست اوست اگر هجرت نبود مردی از انصار بودم؛ اگر مردم به راهی می‌رفتند و انصار به راهی دیگر همانا من به راهی می‌رفتم که انصار از آن می‌گذشتند؛ خداوند! به انصار رحم کن و پسران انصار و همچنین نوادگان انصار». گفت: و جماعت انصار گریستند تا جائی که

ریشهای آنها خیس شد و گفتند: به تقسیم نمودن و بخشش رسول الله ﷺ راضی هستیم؛ سپس رسول الله ﷺ رفت و آنها نیز متفرق شدند. احمد (۲۵۳/۱۸) - (۲۵۵) (۱۱۷۳۰) و بیهقی در «دلائل النبوة» (۵/۱۷۶) - (۱۷۷). شیخ مقبل رحمه الله در «الجامع الصحيح مما ليس في الصحيحين» (۴/۱۴) آن را حسن دانسته است. شیخ شعيب الأرنؤوط در تحقیقش بر «المسند» آن را حسن دانسته است.

فصل ششم: موی^۱ سفید نور مؤمن است و کندن آن حرام است

فصل هفتم: رنگ کردن ریش به رنگی به غیر از رنگ سیاه

^۱ - کلمه‌ای که «مو» معنی شده است شامل موهای صورت که همان ریش است نیز می‌باشد. (مترجم)

واجب بودن بلند کردن ریش و ...// ۳۳

۴۳- از ابوهریره رضی الله عنه آمده است، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا یهودیان و مسیحیان [مو و ریش] خود را [از روی بدعت] رنگ نمی‌کنند پس با آنها مخالفت ورزید». بخاری شماره ۵۵۵۹ و مسلم شماره: ۲۱۰۳.

می‌گوییم: (امر نفرمود که ریش را بتراشید بلکه فقط امر نمود که رنگ سفید آن را تغییر دهید).

۴۴- از جابر بن عبدالله رضی الله عنه گفت: نزد ابی قحافة روز فتح مکه آمدم و سر و ریشش مانند گیاه ثغامة سفید بود، در نتیجه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «[رنگ] آن را تغییر بده و به هیچ وجه از رنگ سیاه استفاده نکن». امام مسلم شماره: ۲۱۰۲ (۱۶۶۳/۳).

فصل هشتم: خلال کردن^۱ ریش در هنگام وضو گرفتن

۴۵- از انس بن مالک رضی الله عنه آمده است که: همانا رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه وضو می گرفت، دست خود را پر از آب می کرد و آن را بر قسمت زیر دهان خود وارد می کرد و توسط آن ریش خود را خلال می نمود. و می فرمود: «پروردگارم عزوجل مرا به این امر نموده است». ابوداود شماره: ۱۴۵ و ابن ماجه شماره: ۴۳۱ و ابن ابی شیبۀ و ابویعلی (۲۰۴/۶) و بغوی (۴۲۱/۱) و حاکم (۱۴۹/۱) و بیهقی (۵۴/۱) و طبرانی در «الصغیر» (۳۱۷/۱) و در «الأوسط» (۴۶۶/۳). شیخ آلبنی رحمه الله در «صحیح سنن ابی داود» شماره: ۱۴۵ و در «صحیح سنن ابن ماجه» شماره: ۳۴۶ آن را صحیح دانسته است.

۱ - خلال کردن یعنی شستن لای ریشها توسط حرکت دادن انگشتان دست در بین آنها. (مترجم)

۴۶- از عثمان بن عفان رضی الله عنه که فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله وضو می‌گرفت ریش خود را خلال می‌نمود. ترمذی و ابن ماجه و دارمی و ابن خزيمة و ابن حبان و بیهقی و دارقطنی و حاکم و ابن شیبۀ. شیخ آلبنی رحمه الله در «صحیح سنن ابن ماجه» شماره: ۴۳۰ آن را صحیح دانسته است.



فصل نهم: تراشیدن ریش تشابه به غیر مسلمانان است

۴۷- از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «... کسی که به قومی تشابه پیدا کند از آنها خواهد بود». احمد (۱۲۳/۹) (۵۱۱۴) و ابو داود (۳۹۱/۴) (۴۰۲۷) چاپ عوامة. شیخ آلبنی رحمه الله در «صحیح سنن ابی داود»، چاپ مکتبة المعارف (۵۰۴/۲) (۴۰۳۱) گفته است: حدیث حسن صحیح می‌باشد.

۴۸- از ابی سعید خدری رضی الله عنه آمده است: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا از سنتهای کسانی که قبل از شما بودند پیروی خواهید کرد، وجب به وجب و قدم به قدم، تا اینکه حتی اگر به سوراخ سوسماری وارد شوند از آنها تبعیت می‌کنید». گفتیم: ای رسول الله! یهودیان و مسیحیان؟ فرمود: «پس چه کسی؟». بخاری شماره ۳۲۹۶ و ۶۸۸۹ و مسلم شماره: ۲۶۶۹.



فصل دهم: تراشیدن ریش تشابه به زنان است

۴۹- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله مردانی که به زنان تشابه پیدا می‌کنند و زنانی که به مردان تشابه پیدا می‌کنند را لعن فرمود. بخاری شماره: ۵۵۴۶.

۵۰- از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «کسی از

زنان که به مردان تشابه پیدا کند و کسی از مردان که به زنان تشابه پیدا کند از ما نیست». امام احمد (۱۱/۴۶۲) (۶۸۷۵). شیخ شعیب الأرناؤوط نیز آن را صحیح دانسته است.



فصل یازدهم: اطاعتی از مخلوق که معصیت خالق را به دنبال داشته باشد قابل قبول نمی‌باشد

۵۱- از علی بن ابیطالب علیه السلام آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «در کاری که معصیت خداوند در آن وجود دارد اطاعت از بشر نباید صورت گیرد و اطاعت فقط در امر نیک قابل قبول است»^۱. بخاری شماره: ۴۰۸۵ و مسلم شماره: ۱۸۴۰ و طیالسی شماره: ۱۰۹ و احمد (۱/۹۴) و

۱ - یعنی اگر پدر و مادر و امیران عادل و علمای مؤمن و شوهر که اطاعت از آنها واجب است، اگر دستور به کار حرامی بدهند نباید از آنها اطاعت کرد. (مترجم)

ابو داود: ۲۶۲۵ و نسائی (۱۸۷/۲). نگاه شود به
«السلسلة الصحيحة» شماره: ۱۸۱.



**فصل دوازدهم: آیا دوست داری که به صورت
ریش تراشیده خداوند تو را مبعوث نماید**

۵۲- جابر بن عبدالله رضی الله عنهما گفته است: شنیدم از
رسول الله ﷺ که می فرمود: «هر بنده ای به همان شکلی
که در هنگام مردن بوده است برانگیخته می شود». مسلم
شماره: ۲۸۷۸.



در خاتمه:

شیخ ابن باز رحمه الله در «مجموع الفتاوی»
خودش (۱۴۱-۱۳۹/۳۰): «تراشیدن ریش بدون شک
گناه است، و به اسناد صحیح از رسول الله ﷺ آمده است
که فرمود: «سبیلهای خود را کوتاه کنید و ریشهایتان را

رها کنید و با مشرکین مخالفت ورزید»^۱ بر صحت حدیث اتفاق وجود دارد، و ﷺ فرمود: «سیبهای خود را کوتاه کنید و ریشهای خود را زیاد کنید و با مشرکین مخالفت ورزید»^۲، بخاری در صحیحش آن را تخریج کرده است، و ﷺ فرموده است: «سیبهای خود را زیاد کوتاه کنید و ریشهای خود را بلند کنید و با آتش پرستان مخالفت ورزید»^۳، که مسلم آن را در صحیحش تخریج نموده است.

و این احادیث صحیحی است که اگر به معنای آن درست برخورد شود، بر این دلالت می‌کنند که ریش را باید بلند کرد و رها ساخت و ول کرد و همچنین حرام

۱ - بخاری در کتاب: اللباس، باب: کوتاه کردن ناخنها، شماره: ۵۸۹۲ و مسلم در

کتاب: طهارت، باب: خصوصیات فطرت، شماره: ۲۵۹.

۲ - بخاری کتاب: اللباس، باب: کوتاه کردن ناخنها، شماره: ۵۸۹۲.

۳ - مسلم در کتاب: طهارت، باب: خصوصیات فطرت، شماره: ۲۶۰.

بودن تراشیدن و کوتاه نمودن آن را می‌رساند؛ و همچنین بر کوتاه کردن سبیل و بلند نکردن آن نیز دلالت دارند. و ابو محمد ابن حزم گفته است: علماء بر فرض بودن بلند نمودن ریش و رها ساختن آن و همچنین بر فرض بودن کوتاه کردن سبیل اتفاق نظر دارند. و بر هیچ شخص عاقل و هیچ مسلمانی جایز نیست تا به کسانی که ریشهای خود را می‌تراشند به عنوان اسوه و شخص نمونه نگاه کند و باید دانست هر چقدر هم زیاد باشند تبعیت از آنها شایسته نیست، خداوند تعالی می‌فرماید: «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ (ترجمه: اگر از اکثریت کسانی که در زمین قرار دارند تبعیت کنی تو را از راه خداوند گمراه می‌سازند). و شخص مؤمن سعی و تلاش می‌کند تا از رسول الله ﷺ و صحابه‌ی بزرگوار ایشان ﷺ و به کسانی که از ایشان

به نیکی تبعیت می‌کنند، درس گرفته و او را اسوة قرار دهند و هیچگاه کسی را که با راه آنها مخالفت ورزیده برای اسوه بودن معتبر نمی‌دانند، خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱ (ترجمه: همانا برای شما رسول الله را اسوه‌ی نیکویی قرار دادیم» و خداوند سبحان می‌فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»^۲ (ترجمه: هرکس از رسول اطاعت نماید همانا از خداوند اطاعت نموده است) و خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۳ (هر آنچه را که رسول به شما رسانده است پس بگیریدش و از هر آنچه که شما را نهی فرموده اجتناب ورزید).

۱ - الأحزاب: ۲۱.

۲ - النساء: ۸۰.

۳ - الحشر: ۷.

و باید دانست آیاتی که بدین معناست بسیار هستند، ﷺ می‌فرماید: «تمام امت من وارد بهشت می‌شوند بجز کسی که ابا ورزد»، گفته شد: ای رسول الله! کسی که ابا می‌ورزد کیست؟ فرمود: کسی که از من اطاعت کند وارد بهشت می‌شود و کسی که از من نافرمانی کند همانا ابا ورزیده است»^۱، بخاری در صحیحش آن را آورده است. از خداوند می‌خواهیم تا ما و تمامی مسلمین را هدایت فرموده و بر اتباع دینش و تمسک به سنت پیامبرش ﷺ استوار گرداند و مار از اطاعت هوای نفس و شیطان در امان بدارد.

و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین.

۱ - بخاری در کتاب: الاعتصام بالكتاب و السنة، باب: الاقتداء بسنن رسول الله ﷺ.